

توسعه و تضاد

کوششی در جهت تحلیل

انقلاب اسلامی

و

مسائل اجتماعی ایران

دکتر فرامرز رفیع پور

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی



سرشناسه، عنوان و نام پدیدآور، مشخصات نشر،	رفیع پور، فرامرزی، ۱۳۲۰- توسعه و تضاد کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران / فرامرزی رفیع پور تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷. چاپ هفتم؛ شرکت سهامی انتشار ۶۰۰ ص. نمودار.
مشخصات ظاهری، شابک، وضعیت فهرست نویسی، یادداشت،	ISBN 978-964-5735-81-2 ف.ب.ا. ص.ع. به انگلیسی: Faramarz Rafiipoor Modernization and Conflict: An Attempt toward the Analysis
یادداشت، موضوع، موضوع، رده بندی کنگره، رده بندی دیویی، شماره کتاب شناسی ملی،	کتابنامه، ص ۵۶۷-۵۸۹. ۱. ایران- اوضاع اجتماعی- ۱۳۵۸- ک. رشد اجتماعی- ایران، ک. ایران- سیاست و حکومت، ۱۳۵۸. ۲. انقلاب- جنبه های جامعه شناختی، ۵ ایران- تاریخ- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ _ الف. عنوان ۹ ت ۷ / ۱۵۸۶ DSR ۹۵۵ / ۰۸۴ ۱۳۱۵۲ - ۷۷ م

شماره رده بندی دیویی، ۳۰۳/۲۲۰۹۵۵
شماره رده بندی ال. سی، DSR ۱۵۸۶

ت ۶۵۵ ر
ت ۷ ر

چاپ اول: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶
چاپ دوم تا چاپ ششم:
شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴-۱۳۷۷

توسعه و تضاد

مؤلف: دکتر فرامرزی رفیع پور
ناشر: شرکت سهامی انتشار
چاپ هفتم: ۱۳۸۷
چاپخانه حیدری: ۳۳۰۰ نسخه
جلد زرکوب: ۱۲۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۱۰۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۱۱۸ | تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ | دورنگار: ۳۳۹۴۸۸۶۲

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۱۰۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۱: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۸۴ | دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

خلاصه فهرست مطالب

جلد اول: آناتومی جامعه: مفاهیم اساسی جامعه شناسی کاربردی

جلد دوم: توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران

پیشگفتار.....	۱۵
۱- (بخش اول) پیدایش انقلاب.....	۲۵
۱-۱ مقدمه.....	۲۷
۱-۲ تئوریهای تبیین کننده پیدایش انقلاب.....	۳۱
۱-۳ مدل تبیین.....	۶۵
۱-۴ کوشش در جهت تبیین انقلاب اسلامی ایران.....	۶۹
۱-۵ خلاصه و نتیجه گیری.....	۱۰۳
۲- (بخش دوم) دوران بعد از انقلاب.....	۱۰۵
۲-۱ مقدمه.....	۱۰۷
۲-۲ اشاره ای به برخی از قانونمندی های مراحل بعد از انقلاب.....	۱۰۷
۲-۳ توضیح روشی.....	۱۱۴
۲-۴ شکل گیری قدرت.....	۱۱۲
۲-۵ شرایط رهبران تغییردهنده.....	۱۱۳
۲-۶ تغییرات درونی در نظام اجتماعی بعد از انقلاب.....	۱۲۵
۲-۷ عکس العمل کشورهای غربی (۱).....	۱۳۲
۲-۸ جنگ و تاثیر آن بر نظام اجتماعی.....	۱۳۵
۳- (بخش سوم) تغییرات در نظام اجتماعی ایران بعد از جنگ.....	۱۴۷
۳-۱ تغییر در سلسله مراتب قدرت در سال ۱۳۶۸.....	۱۴۹
۳-۲ مسائل نظام اجتماعی ایران بعد از ۱۳۶۸.....	۱۵۷

- ۳-۳ دگرگونی مجدد ارزشهای جامعه، بعد از ۱۳۶۸ ۱۵۹
- ۳-۴ نابرابری اجتماعی در ایران ۱۷۳
- ۳-۵ فرایند تبدیل ثروت به ارزش در ایران و تاثیر آن بر روی ارزشهای دیگر ۱۹۷
- ۳-۶ پیامدهای با ارزش شدن ثروت ۲۱۷
- ۳-۷ تغییر ارزشهای دیگر در پی با ارزش شدن ثروت ۲۲۷
- ۳-۸ حاشیه: مراحل تغییر ارزشها ۲۳۳
- ۳-۹ پیامد نابرابری درآمد: انحرافات و فساد اجتماعی ۲۶۷
- ۳-۱۰ تغییر کارکرد دین ۳۰۵
- ۳-۱۱ پیامد نابرابری تحصیلات: ولع ارتقاء و تحرک صعودی ۳۶۱
- ۳-۱۲ پیامد نابرابری: اختلال در کارکرد مشاغل (مقام پرستی و کاهش انگیزه کار) ۳۷۵
- ۳-۱۳ حاشیه: پیامد نابرابری: استبداد، یک عنصر فرهنگی ۳۸۲
- ۳-۱۴ سازماندهی و سلسله مراتب ۴۰۵
- ۳-۱۵ پیچیدگی روابط اجتماعی و آشفتگی ۴۰۹
- ۳-۱۶ کاهش انسجام اجتماعی ۴۱۹
- ۳-۱۷ تغییر گروه مرجع ۴۳۹
- ۳-۱۸ تغییر ارزشها و مشروعیت نظام ۴۴۷
- ۳-۱۹ قدرت تفکر و آشفتگی سازمانی ۴۶۷
- ۳-۲۰ قالب بین‌المللی یا نفوذ کشورهای دیگر ۴۷۵
- ۴- (بخش چهارم) نتیجه‌گیری ۵۳۳
- ۴-۱ مقدمه ۵۳۵
- ۴-۲ "توسعه"، اسب ترویا ۵۴۱
- ۴-۳ عواقب "توسعه" و نابرابری در آینده ۵۵۳
- ۴-۴ سخن آخر ۵۵۵
- منابع ۵۶۱

فهرست مطالب جزئی

پیشگفتار.....	۱۵
۱- (بخش اول) پیدایش انقلاب.....	۲۵
۱-۱ مقدمه.....	۲۷
۱-۲ تئوریهای تبیین کننده پیدایش انقلاب.....	۳۱
۱-۲-۱ افلاطون.....	۳۱
۱-۲-۲ مارکس و آرنندت.....	۳۳
۱-۲-۳ گوتشالک.....	۳۳
۱-۲-۴ برینتون.....	۳۴
۱-۲-۵ اکشتاین.....	۳۴
۱-۲-۶ دورکهایم و مرتون.....	۳۵
۱-۲-۷ اولسون و لوئیز.....	۳۶
۱-۲-۸ توکوویل.....	۳۹
۱-۲-۹ دیویس.....	۳۹
۱-۲-۱۰ تانتر/ میدلارزکی.....	۴۰
۱-۲-۱۱ داهرندورف.....	۴۱
۱-۲-۱۲ جانسون.....	۴۲
۱-۲-۱۳ گور.....	۴۴
۱-۲-۱۴ تبلی.....	۴۸
۱-۲-۱۵ سکاچ پل.....	۵۰
۱-۲-۱۶ زیمرمان.....	۵۲
۱-۲-۱۷ کدی، لینکلن، معدل، گلداستون.....	۵۲
۱-۲-۱۸ کورپی.....	۵۴
■ ■ مقدمه بر نظریه های دیگر.....	۵۶
۱-۲-۱۹ اوپ.....	۵۷
۱-۲-۲۰ وده و مولر.....	۵۹

- ۶۳..... ۱-۲-۲۱ فریدریش
- ۶۵..... ۱-۳ مدل تبیین
- ۶۹..... ۱-۴ کوشش در جهت تبیین انقلاب اسلامی ایران
- ۶۹..... ۱-۴-۱ نابرابری
- ۷۰..... ۱-۴-۲ ادراک نابرابری
- ۷۰..... ۱-۴-۲-۱ قدرت ادراک
- ۷۱..... ● آموزش
- ۷۲..... ● ارتباطات
- ۷۳..... ۱-۴-۲-۲ امکان ادراک و مشاهده
- ۷۳..... ۱-۴-۳ ارزیابی نابرابری
- ۷۴..... ۱-۴-۴ مقایسه اجتماعی
- ۷۶..... ۱-۴-۵ رشد اقتصادی و پیدایش قشر متوسط
- ۷۹..... ۱-۴-۶ رشد نیاز در قشر متوسط
- ۸۳..... ۱-۴-۷ امکان رفع احساس محرومیت نسبی
- ۸۵..... ۱-۴-۸ سلطه
- ۸۷..... ۱-۴-۹ بروز تضاد و بسیج مردم
- ۸۸..... ۱-۴-۱۰ اشاعه و گسترش جریان انقلاب و نقش مذهب
- ۹۳..... ۱-۴-۱۱ قالب بین‌المللی
- ۹۶..... ۱-۴-۱۲ رهبری انقلاب
- ۹۹..... ۱-۴-۱۳ سازماندهی انقلاب
- ۱۰۳..... ۱-۵ خلاصه و نتیجه‌گیری
- ۱۰۵..... ۲- (بخش دوم) دوران بعد از انقلاب
- ۱۰۷..... ۲-۱ مقدمه
- ۱۰۷..... ۲-۲ اشاره‌ای به برخی از قانونمندی‌های مراحل بعد از انقلاب
- ۱۰۷..... ■ نظریات افلاطون
- ۱۰۸..... ■ هوپر
- ۱۰۹..... ■ تبلی
- ۱۰۹..... ■ اکشتاین

- ۱۱۰ اسکاچ پل ■
- ۱۱۱ ۲-۳ توضیح روشی
- ۱۱۲ ۲-۴ شکل‌گیری قدرت
- ۱۱۳ ۲-۵ شرایط رهبران تغییردهنده
- ۱۱۴ ۲-۵-۱ اهداف
- ۱۱۵ ۲-۵-۲ قدرت تفکر و تخصص
- ۱۱۹ ۲-۵-۳ کوششی در جهت ارزیابی توانائی رهبران
- ۱۲۰ امام (ره)
- ۱۲۱ روحانیون
- ۱۲۱ نقش دکترینهستی
- ۱۲۲ مهندس موسوی
- ۱۲۵ ۲-۶ تغییرات درونی در نظام اجتماعی بعد از انقلاب
- ۱۲۵ ۲-۶-۱ انسجام اجتماعی
- ۱۲۷ ۲-۶-۲ تغییر ارزشها و پیدایش نظام ارزشی جدید
- ۱۲۸ ۲-۶-۲-۱ فرایند تغییر ارزشها
- ۱۳۱ ۲-۶-۲-۲ عوامل مؤثر بر تغییر ارزشها
- ۱۳۲ ۲-۷ عکس‌العمل کشورهای غربی (۱)
- ۱۳۳ اهمیت پرچم در امریکا
- ۱۳۵ ۲-۸ جنگ و تاثیر آن بر نظام اجتماعی
- ۱۳۵ ۲-۸-۱ تثبیت نظام
- ۱۳۵ ۲-۸-۲ بسیج مردم (Mobilization)
- ۱۳۷ ۲-۸-۳ تاثیرات اجتماعی جنگ
- ۱۳۷ ۲-۸-۳-۱ دفاع به عنوان یک ارزش و یک هنجار
- ۱۳۷ ۲-۸-۳-۲ تغییر ارزشهای رزمندگان در جبهه‌ها
- ۱۳۹ ۲-۸-۳-۳ مردن یا شهادت؟ تاثیر توجیه مذهبی
- ۱۴۳ ۲-۸-۴ تاثیرات در زمینه‌های دیگر
- ۱۴۳ ۲-۸-۵ اعتماد به نفس
- ۱۴۴ ۲-۸-۶ عکس‌العمل کشورهای غربی (۲)
- ۱۴۵ ۲-۸-۷ ختم جنگ

- ۳- (بخش سوم) تغییرات در نظام اجتماعی ایران بعد از جنگ ۱۴۷
- ۳-۱ تغییر در سلسله مراتب قدرت در سال ۱۳۶۸ ۱۴۹
- ۳-۲ مسائل نظام اجتماعی ایران بعد از ۱۳۶۸ ۱۵۷
- ۳-۳ دگرگونی مجدد ارزشهای جامعه، بعد از ۱۳۶۸ ۱۵۹
- ۳-۳-۱ توضیح روشی ۱۶۰
- ۳-۳-۲ تحدید واژه‌های ارزش و هنجار ۱۶۲
- ۳-۳-۳ تغییر ارزشهای مذهبی و میزان پابندی مردم به آنها ۱۶۳
- ۳-۳-۴ ارزش ثروت و ثروتمند و غلبه ارزش‌های مادی ۱۶۹
- ۳-۴ نابرابری اجتماعی در ایران ۱۷۳
- ۳-۴-۱ بررسی مسئله ۱۷۳
- ۳-۴-۲ برخی از علل تشدید نابرابری در ایران ۱۸۳
- ۳-۴-۲-۱ درآمد ۱۸۳
- ۳-۴-۲-۲ تحصیلات ۱۸۸
- ۳-۴-۲-۳ شغل ۱۹۲
- ۳-۴-۳ خلاصه و نتیجه‌گیری ۱۹۴
- ۳-۵ فرایند تبدیل ثروت به ارزش در ایران و تاثیر آن بر روی ارزشهای دیگر ۱۹۷
- ۳-۵-۱ نمایش ثروت ۱۹۹
- ۳-۵-۲ نیازآفرینی ۲۰۱
- ۳-۵-۲-۱ واردات کالا ۲۰۱
- ۳-۵-۲-۲ تبلیغات ۲۰۳
- ۳-۵-۲-۳ اقدامات دیگر ۲۰۵
- ۳-۵-۳ کاهش درآمدها ۲۰۶
- ۳-۵-۴ مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت ۲۰۷
- ۳-۵-۵ فشار هنجاری ۲۰۸
- ۳-۵-۶ انتشار ۲۱۲
- ۳-۶ پیامدهای با ارزش شدن ثروت ۲۱۷
- ۳-۶-۱ ثروت و حقوق اجتماعی ۲۱۷
- ۳-۶-۲ حاشیه تعهد ثروتمندان سنتی و مدرن ۲۲۲
- ۳-۶-۳ خلاصه و نتیجه‌گیری ۲۲۴

۲۲۷	۳-۷ تغییر ارزشهای دیگر در پی با ارزش شدن ثروت
۲۳۱	حاشیه
۲۳۳	۳-۸ حاشیه: مراحل تغییر ارزشها
۲۳۶	۳-۸-۱ تطبیق پدیده ارزشی هنجار شده با دیگر هنجارها (=فرایند ۱)
۲۳۸	۳-۸-۲ تضاد ارزشها (=فرایند ۲)
۲۴۷	۳-۸-۳ حرکت تغییر ارزشها
۲۵۳	۳-۸-۴ تغییر شرایط و اتمسفر کلی جامعه و مناسب برای تغییر ارزشها
۲۵۳	۳-۸-۴-۱ شهرداری و تغییر ارزشها
۲۶۰	۳-۸-۴-۲ ویدئو و تهاجم فرهنگی
۲۶۳	۳-۸-۴-۳ رادیو تلویزیون
۲۶۴	۳-۸-۵ خلاصه و نتیجه گیری
۲۶۷	۳-۹ پیامد نابرابری درآمد: انحرافات و فساد اجتماعی
۲۶۷	۳-۹-۱ طرح مسئله
۲۶۸	۳-۹-۲ راه حل ۱: امکان کاهش سطح نیاز؟
۲۶۹	حاشیه ۱: تغییر الگوی مصرف
۲۷۱	۳-۹-۳ راه حل ۲: امکان افزایش درآمد؟
۲۷۳	حاشیه ۲: مقایسه وضعیت کارکنان ایرانی با دیگر کشورها
۲۷۵	۳-۹-۴ انحراف و فساد
۲۸۱	حاشیه:
۲۸۲	۳-۹-۵ تبیین انحراف و فساد
۲۸۳	۱- تاثیر احساس بی عدالتی و محرومیت نسبی
۲۸۵	۲- هنجار شدن کارهای نامشروع
۲۸۸	۳-۹-۶ پیامدها و دامنه فساد
۲۹۰	۳-۹-۷ کارکرد سیستم کنترل بیرونی (۱- نیروی انتظامی)
۲۹۶	۳-۹-۸ کارکرد سیستم کنترل بیرونی (۲- سیستم قضائی)
۲۹۸	نمونه اول
۲۹۹	نمونه دوم
۳۰۰	۳-۹-۹ خلاصه و نتیجه گیری

- ۳-۱۰ تغییر کارکرد دین ۳۰۵
- ۳-۱۰-۱ مقدمه: در دین و کارکرد آن ۳۰۵
- ۳-۱۰-۱-۱ هدف ادیان ۳۰۹
- ۳-۱۰-۱-۲ درک و اثبات خداوند ۳۱۱
- ۳-۱۰-۱-۳ درک خداوند در قالبهای تخصصی ۳۱۳
- ۳-۱۰-۱-۴ روش اتصال و قالبهای فرهنگی - اجتماعی ۳۱۵
- ۳-۱۰-۲ عوامل مؤثر در تضعیف نقش دین در شرایط کنونی ایران .. ۳۱۷
- ۳-۱۰-۲-۱ طرح مسئله ۳۱۷
- ۳-۱۰-۲-۲ عوامل بیرونی مؤثر در تضعیف نقش دین ۳۱۹
- ۳-۱۰-۲-۳ عوامل درونی مؤثر بر کارکرد دین ۳۲۱
- ۳-۱۰-۲-۳-۱ ماهیت دین اسلام ۳۲۱
- ۳-۱۰-۲-۳-۲ نظام و سازماندهی دین: روحانیت ۳۲۴
- ۳-۱۰-۲-۳-۲-۱ نگاهی به گذشته ۳۲۴
- ۳-۱۰-۲-۳-۲-۲ نظام کنونی مذهب و عوامل مؤثر در درون آن ... ۳۲۶
- ۳۲۶ (۱) مقدمه ■
- ۳۳۰ (۲) تحدید حیطه فعالیت و شناخت ■
- ۳۳۱ (۳) محدودیت مخاطبین ■
- ۳۳۳ (۴) محدودیت های محیطی ■
- ۳۳۴ (۵) شیوه آموزش ■
- ۳۳۸ (۶) محدودیت بودجه و وابستگی مادی ■
- ۳-۱۰-۲-۳-۲-۳ روحانیت در نقش جدید: حکومت روحانیت ... ۳۴۲
- ۳۴۳ (۱) سازمان اجتماعی روحانیت ■
- ۳۴۳ (۲) قدرت تفکر، تخصص و تجربه روحانیون در اداره کشور ■
- ۳۴۸ (۳) روش کار روحانیون ■
- ۳۵۳ (۴) رفتار روحانیون ■
- ۳۵۶ (۵) رسالت جدید: نیاز به جهت گیری مجدد ■
- ۳-۱۰-۲-۴ نتیجه گیری ۳۵۸

- ۳-۱۱ پیامد نابرابری تحصیلات: ولع ارتقاء و تحرک صعودی..... ۳۶۱
- ۳-۱۱-۱ مقدمه..... ۳۶۱
- ۳-۱۱-۲ ارتقاء در کشورهای دیگر..... ۳۶۱
- ۳-۱۱-۲-۱ سوئد..... ۳۶۱
- ۳-۱۱-۲-۲ آلمان..... ۳۶۲
- ۳-۱۱-۲-۳ آمریکا..... ۳۶۴
- ۳-۱۱-۳ ولع ارتقاء در ایران و عوامل مؤثر بر آن..... ۳۶۵
- ۳-۱۱-۳-۱ مدرنیزاسیون و ولع ارتقاء..... ۳۶۵
- ۳-۱۱-۳-۲ فشار هنجاری و ولع ارتقاء..... ۳۶۷
- ۳-۱۱-۳-۳ ولع ارتقاء و سیستم آموزشی: ریل عقب افتادگی..... ۳۶۷
- اقدامات تشدیدکننده:..... ۳۶۸
- پیامد:..... ۳۶۹
- ۳-۱۱-۴ خلاصه و نتیجه گیری..... ۳۷۳
- ۳-۱۲ پیامد نابرابری: اختلال در کارکرد مشاغل
(مقام پرستی و کاهش انگیزه کار)..... ۳۷۵
- ۳-۱۳ حاشیه: پیامد نابرابری: استبداد، یک عنصر فرهنگی..... ۳۸۳
- ۳-۱۳-۱ مسئله..... ۳۸۳
- ۱- زور..... ۳۸۵
- ۲- پذیرش زور..... ۳۸۵
- ۳-۱۳-۲ عواقب استبداد..... ۳۸۷
- ■ در سطح خانواده..... ۳۸۷
- ■ در سطح سازمانها..... ۳۸۸
- ■ در سطح حکومت داری..... ۳۸۹
- ۳-۱۳-۳ انتقاد و اپوزیسیون در نظامهای استبدادی..... ۳۹۱
- ۳-۱۳-۳-۱ مغایرت انتقاد و اپوزیسیون با منافع خارجی..... ۳۹۱
- ۳-۱۳-۳-۲ نقائص انتقاد در ایران..... ۳۹۳
- ۳-۱۳-۳-۳ خطرات و مضرات کاهش انتقاد..... ۳۹۵
- ۳-۱۳-۴ چاپلوسی و تملق در نظامهای استبدادی..... ۳۹۶

- ۴۰۲ ۳-۱۳-۵ خلاصه و نتیجه گیری
- ۴۰۵ ۳-۱۴ سازماندهی و سلسله مراتب
- ۴۰۹ ۳-۱۵ پیچیدگی روابط اجتماعی و آشفتگی
- ۴۰۹ ۳-۱۵-۱ طرح مسئله
- ۴۱۰ ۳-۱۵-۲ علل پیدایش پیچیدگی
- ۴۱۵ ۳-۱۵-۳ نتیجه و پیامد
- ۴۱۹ ۳-۱۶ کاهش انسجام اجتماعی
- ۴۱۹ ۳-۱۶-۱ طرح مسئله
- ۴۲۱ ۳-۱۶-۲ برخی از علل کاهش انسجام
- ۴۲۱ ۳-۱۶-۲-۱ فقدان دشمن مشترک و کاهش فعالیت‌های مشترک
- ۴۲۲ ۳-۱۶-۲-۲ کاهش تمرکز انرژی احساسی
- ۴۲۴ کارکرد ورزش
- ۴۲۶ نقش موسیقی در کاهش تمرکز احساسی و انسجام در ایران
- ۴۳۱ حاشیه انتقاد از نویسنده
- ۴۳۳ ۳-۱۶-۲-۳ اقدامات دیگر مؤثر بر کاهش انسجام
- ۴۳۹ ۳-۱۷ تغییر گروه مرجع
- ۴۳۹ ۳-۱۷-۱ هدف از گروه مرجع
- ۴۳۹ ۳-۱۷-۲ ایجاد گروه مرجع
- ۴۴۱ ۳-۱۷-۳ تغییر گروه مرجع در ایران
- ۴۴۲ ۳-۱۷-۴ علل تغییر گروه مرجع
- ۴۴۲ ۳-۱۷-۴-۱ مسابقات در نمایش مقیاس‌های مادی
- ۴۴۳ ۳-۱۷-۴-۲ نقش ارزشگذاران و هنجارفرستان
- ۴۴۵ ۳-۱۷-۵ خلاصه و نتیجه گیری
- ۴۴۷ ۳-۱۸ تغییر ارزشها و مشروعیت نظام
- ۴۴۷ ۳-۱۸-۱ مقدمه و تحدید مسئله
- ۴۴۸ ۳-۱۸-۲ ابعاد اجتماعی مشروعیت
- ۴۴۹ ● مشروعیت کاریسماتیک
- ۴۵۰ ● مشروعیت سنتی
- ۴۵۰ ● مشروعیت عقلانی یا منطقی

- ۳-۱۸-۳ سنجهش ابعادی از مشروعیت نظام ۴۵۲
- ۳-۱۸-۴ ارزشهای اجتماعی و مشروعیت: تحلیل وضعیت کنونی .. ۴۵۵
- ۳-۱۸-۵ خلاصه و نتیجه گیری ۴۶۵
- ۳-۱۹ قدرت تفکر و آشننگی سازمانی ۴۶۷
- ۳-۱۹-۱ طرح مسئله ۴۶۷
- ۳-۱۹-۲ علل ۴۷۰
- شرایط قبل از انقلاب: ۴۷۰
- شرایط بعد از انقلاب: ۴۷۰
- ۳-۲۰ قالب بین‌المللی یا نفوذ کشورهای دیگر ۴۷۵
- ۳-۲۰-۱ مقدمه: علل نفوذ ۴۷۵
- ۳-۲۰-۲ توانائی‌های کشورهای مداخله‌گر ۴۷۷
- ۳-۲۰-۳ حیطه‌های تحت نفوذ ۴۸۰
- ۳-۲۰-۳-۱ زمینه تاریخی نفوذ ۴۸۰
- ۳-۲۰-۳-۲ حیطه‌های نفوذ جدید ۵۰۲
- ۳-۲۰-۴ اقدامات ۵۰۵
- ۳-۲۰-۴-۱ از بین بردن نیروی متفکر ۵۰۶
- ۳-۲۰-۴-۲ تاثیر بر روی دولت ۵۰۷
- ۳-۲۰-۴-۲-۱ حکومت و شخص دلخواه ۵۰۸
- ۳-۲۰-۴-۲-۲ روشهای تاثیر گذاری ۵۱۲
- فشار هنجاری یا جوسازی ۵۱۲
- انتقاد از مسیر ۵۱۲
- انتقاد از عدم وجود وحدت ۵۱۳
- انتقاد از عدم وجود آزادی ۵۱۴
- تاثیر گذاری اقتصادی ۵۱۷
- کاهش اعتماد به نئس ۵۲۱
- ۳-۲۰-۴-۳ تاثیر بر روی نظام اجتماعی ۵۲۲
- ۳-۲۰-۵ حیطه های خارج از نفوذ ۵۲۶
- ۳-۲۰-۶ نقاط ضعف ۵۲۸
- ۳-۲۰-۷ نتیجه گیری ۵۳۰

۵۳۱	۴- (بخش چهارم) نتیجه گیری
۵۳۵	۴- نتیجه گیری
۵۳۵	۴-۱ مقدمه
۵۴۱	۴-۲ "توسعه"، اسب ترویا
۵۵۳	۴-۳ عواقب "توسعه" و نابرابری در آینده
۵۵۵	۴-۴ سخن آخر
۵۵۸	ضمیمه
۵۵۹	منابع
۵۹۱	فهرست موضوعی

بسم الله الرحمن الرحيم

(۱) سبح لله مافی السموات والارض و هو العزيز الحكيم

(۲) له ملک السموات والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدير

(۳) هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو به کل شیء علیم

"الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع ولا کصنعه صنع صانع..."

یا سیدی خاضع ذلیل حصیر حقیر... لا اله الا انت سبحانک انی کنت من المسبحین..

اللهم هذا ثنائی علیک ممجدا واخلصی لذكرک موحدا و اقراری بالانک معددا"

تقدیر و تدبیر خالق متعال، ایجاد انواع نیازها در مخلوقات است. از جمله نیاز به انجام یک وظیفه، یک فعالیت، آنهم به خیال خودشان گاه بانیت خیر. انسانها این نیاز را احساس می کنند که دانش ناچیز، اما مهم پنداشته خود را به دیگران انتقال دهند، در بهترین وضع با انگیزه اصلاح شرایط موجود و نه خودنمایی. گر چه این دانش نیز خود از کرامات خالق است ("علم الانسان مالم يعلم")، اما در عین حال بسیار ناچیز و محدود و اندازه آن نیز در تصمیم اوست ("...لا یحیطون بشئ من علمه الا بما شاء").

که من دلشده این ره نه بخود می پویم

بارها گفته ام و بار دگر می گویم

آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم

در پس آینه طوطی صفتم داشته اند

حافظ ۱۴۵

پس او را برای این بخشایش نیز (!) شاکر و طالب اصلاح انگیزه و نیت و همچنین وقوف به نادانی خود ("الهی انا الجاهل فی علمی") و خضوع در پیشگاه اویم و در انتقال این دانش پنداشته ناچیز، از پیشگاهش استدعای کمک در رعایت ادب را دارم که

بلک آتش در همه آفاق زد

بی ادب تنها نه خود را داشت بد

مولوی

از خداوند سبحان نیز می خواهم که اگر تقدیرش ایجاب می نماید و التفاتش می آواید، به مخاطبین این نوشته، از مردم شریف گرفته تا مسئولین محترم، نظر لطف و احسان ببخشاید تا از برخی از تحلیلها و نتیجه گیریهایی که با طبعشان سازگار نیست، روی ملال درهم نکشند و با صبر و تعمق بیشتر به مسائل بنگرند. باشد که بعد از تأمل بیشتر، موافق طبع واقع شود، چه:

پند حکیم عین صوابست و محض خیر فرخنده بخت آنکه به عین رضا شنید

حافظ ۱۹

نویسنده در شرایط امروزی، هنگام تماس با مسئولین، دوستان و منفکرین و حتی مردم عادی، عموماً با این سؤال روبرو می‌شود که "آقا شما چه تحلیلی از وضعیت دارید؟ چرا وضع اینجور شده است؟ آینده را چطور می‌بینید؟ آخر شما متخصص هستید! شما باید بگوئید..."

اگر این صحت داشته باشد که ما متخصص هستیم و اگر از ما انتظار راه حل می‌رود، در آنصورت دوستان و مسئولین شریف و عزیز باید به چند نکته توجه بفرمایند: بیماریهای اجتماعی ما از جهاتی شبیه و قابل مقایسه با بیماریهای جسمی هستند و از جهاتی متفاوت:

۱- در تشریح یک کتاب از بیماریهای جسمی و یا در پرونده یک بیمار، پزشک متخصص، بیماریها را ذکر می‌کند و نه آنکه از صفات حسنه آن بیمار تمجید نماید. اگر مسئولین محترم از افراد متخصصی چون نویسنده، راه حل مسائل بفرج و پیچیده کنونی را می‌خواهند، در آنصورت نمی‌توانند از ما جز این انتظار داشته باشند که ما مسائل و بیماریها را برای آنها تشریح و از طریق کشف اشتباهات، راه حل‌ها را به آنها نشان دهیم.

۲- در مورد مسائل و بیماریهای اجتماعی، افراد عموماً خود را صاحب نظر می‌دانند و معتقدند که دارند مسائل را با "پوست و گوشت خود لمس می‌کنند". اما اگر این تشخیص صحت داشته باشد، قاعدتاً انسان مسائل جسمی خود را باید بهتر از یک پزشک بداند، زیرا بیماریها و فعل و انفعالات مربوط به آن، واقعا در درون بدن او روی می‌دهند.

با پیشرفت علوم، همه زمینه‌های مورد نیاز بشری بطور علمی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اگرچه در ایران علم پزشکی نسبت به دیگر علوم بسیار پیشرفته‌تر است، و اگرچه در ایران، در زمینه‌های دیگر علوم ما تعداد کافی متخصصین متبحر (یعنی به معنی لغوی "استاد") نداریم، اما این به آن معنی نیست که در این زمینه، شناخت و تخصص علمی وجود نداشته باشد. با نگاهی به تاریخچه علوم اجتماعی و سرگذشت دانشمندان آن می‌بینیم که بیشتر دانشمندان این رشته‌ها یهودی بوده‌اند (م.ش 1990، Wiehn). چرا؟ زیرا آنان به موقع دریافته بودند که با توجه به مشکلاتی که یهودیان در جوامع مختلف داشته و دارند، باید اولاً آن جوامع را بهتر از صاحبان آن بشناسند و ثانیاً حتی المقدور بر روی آن تاثیر بگذارند تا از خطرات احتمالی کاسته و منافع آنها تامین شود... تسلط به دستگاهها و ابزار عقیده‌سازی مردم، یعنی تسلط به خبرگزاری‌ها و شبکه‌های تلویزیونی، و شبکه‌های انتشاراتی کتب، مجلات و روزنامه‌ها نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. رقابای هر کشوری بسیار خوشحال می‌شوند، اگر در جوامع مورد نظر آنها، مسئولین با ابزار و روشهای قرون گذشته کار کنند. زیرا در آنصورت آنها بطور نامرئی و

نامحسوس برای مسئولین، بر رویدادهای آن جامعه تسلط می‌یابند، آن جامعه را از کنترل مسئولینش خارج می‌کنند و در کنترل خود درمی‌آورند. زیرا چنانکه تشریح خواهد شد، جامعه دارای یک نیروی مستقل است که اگر عنان آن از دست مسئولین به در رود، مانند یک اسب سرکش به هر طرفی که می‌خواهد و یا تاثیر گذاران نامرئی آن می‌خواهند می‌رود. اداره جامعه به تخصص عمیق نیاز دارد. اگر ما در این زمینه ضعیف بوده‌ایم یا هستیم و در گذشته فقط با کلی‌گوییها و تئوری پردازیهای بی‌رابطه با مسائل عملی (عموماً نفهمیده حفظ کرده) و لذا بی‌فایده، سر و ته قضیه را هم آورده‌ایم، دلیلش اینست که ریلهای پیشرفت علمی در این مسیر کاملاً غلط گذاشته و ضعیف‌ترین افراد از نظر درسی، هوشی و علمی به این سو سوق داده شده‌اند. شاید به این علت که کسی نتواند به این مسئله مهم و بسیار اساسی بپردازد. همچنانکه افراد متفکر در این زمینه در جهان سوم یا نسبتاً سریع ترور می‌شوند و یا جذب کشورهای پیشرفته.

۳- ماهیت پزشکی با کار ما این تفاوت را دارد که بیمار جسمی شدیداً در فکر سلامت خود است و بعد از مراجعه به پزشک، به دستورات او قاعدتاً عمل می‌کند، داروهای تلخ را می‌خورد، آمپول دردناک را می‌زند و از آن مهمتر به جراحی‌های دردناکتر و خطرناکتر تن در می‌دهد. سپس هم برای آن پول (کم و بیش) زیاد می‌پردازد و هم به پزشک معالج خود آنچنان وابسته می‌شود که در بسیاری از امور به او امتیازات دیگر (مثلاً سیاسی یا اجتماعی) هم می‌دهد. اما به نظر می‌رسد که در مورد بیماریهای اجتماعی، داروهای تجویز شده ما کمتر باب طبع بیمارانمان باشد. بیمارمان ما در درجه اول کسانی هستند که تا دم مرگ باورشان نمی‌شود که بیمارند و می‌گویند این پزشک مزخرف می‌گوید. در جهان سوم به سختی بتوان سلطانی را یافت که اشتباهاتش را بپذیرد، بالاخص تا موقعی که بر سر قدرت است. آنها هرگز حاضر به تصحیح مسیر خود نیستند، تا بالاخره سرنگون شوند.

"ان الذین حقت علیهم کلمة ربک لا یؤمنون ○ ولو جاءتهم کل ایه حتی یروا العذاب الالیم"

(یونس ۹۷، م.ش. همچنین الشعراء ۲۰۲)

دلائل آن زیاد است و در طول این کتاب بطور نسبتاً جامع به آن نیز پرداخته خواهد شد (بالاخص در مبحث استبداد). این چنین حکامی مایل به پذیرش انتقاد نیستند، مایل به کاهش قدرتشان نیستند، مایل به کاهش ثروتشان و کاهش فاصله بین فقیر و ثروتمند نیستند. آنها همه اینها را می‌خواهند و در عین حال یک حکومت پایدار، حتی برای فرزندان و نسلهای آینده خود. مانند یک بیمار که پرخوری می‌کند (اضافه وزن زیاد دارد)، حرکت ندارد، سیگار می‌کشد، مشروبات الکلی قوی می‌نوشد و در عین حال از پزشکش می‌خواهد، به او یک قرصی بدهد، که عمرش

طولانی شود، سرحال باشد و بتواند همه کارهای دلخواهش (از جمله کامیابی از بهترین لذات این جهان) را انجام دهد.

سرنوشت چنین حکامی چگونه است؟ اینرا همه می دانیم! اما سرنوشت آن جامعه و مردم و نسلهای آینده چطور؟! بله، مسائل بیماریهای جامعه فراتر از حد پایداری حکومت یک حاکم و نظام حکومتی وی است. در طول تاریخ، تعداد زیادی از نظام های حکومتی تغییر کرده اند. در زمانهای جدید در جهان سوم هر تغییر حکومتی، عموماً به معنی تخریب و آغاز جدید است که بیشتر با روش آزمایش و خطا انجام می گیرد و در صورت بی نتیجه بودن، نه فقط نظام حکومتی ضربه آنرا می خورد، بلکه بیش از آن، مردم و نسلهای آینده آن جوامع. بنابراین مسئولین محترم کشور ما باید به مسئولیت خطیر خود در مقابل آفریننده و بندگان او خوب توجه کنند، رهبران متفکر و عارف ما به خوبی می دانند که در پیشگاه عدل الهی، ضوابط داوری و قضاوت تحت تاثیر مثبت "بالا بودن مقام" و دیگر ضوابطی که انسانهای ناوارسته به خیال خود تعیین می کنند و مهم می پندارند نیست. سرنوشت مردم شریفی که در اجرای خواسته های مسئولینشان از هیچ چیز دریغ نکردند، بسیار مهم است. اما به دلیل همین نزدیکی رهبران وارسته ما به خدا است که ما نیز امید داریم، خداوند سایه فضل و رحمتش را از سر ملت شریف ما برنگیرد. خوشبختانه مسئولین ما همه متشروع و عموماً با ایمان هستند. آنها به خداوند روی می آورند. از یک نقطه (یعنی هنگامی که به معبود خود وصل می شوند) همه در خود تجدیدنظر می کنند (الله ولی الذین امنوا یخرجهن من الظلمات الی النور) و در یک نقطه (ایمان مشترک) مجدداً بهم وصل می شوند. ما نیز در این نوشتار به فضل و عنایت الهی، کوشش برآن داریم تا در مسیر اداره جامعه، "ظلمات" و "نور" را نشان دهیم. قصد و نیت من این نیست که کسی را بد کنم، چه داخلی و چه خارجی. من کوچکتر از آنم که درباره بندگان خداوند قضاوت کنم. وظیفه من آنست که با رعایت ادب و اصول علمی به مسائل کشف شده علمی در مورد جامعه اشاره و بیماریهای اجتماعی و علل آنرا تشریح نمایم. زیرا اصلاح وضع کشور وقتی ممکن است که نقائص و اشتباهات رابشناسیم و آنها را بر طرف کنیم. در این مسیر طبعاً اشتباهات و بیماریها به عده ای مربوط می شود و خیر و سعادت آنها در اینست که از ذکر بیماریها و اشتباهات نرنجند، بلکه در جهت رفع آن بکوشند.

من خوب واقفم که هرکس با هردانش و نیت و مقامی که مسئولیتی بپذیرد، اشتباه می کند. پیدا کردن و ذکر اشتباه مسئولین هنر نیست، کسی که بنایت مچگیری و تخریب شخصیت مسئولین به دنبال کشف اشتباهات آنها است، "اگر مرد است"، خود وارد میدان شود. در طول تاریخ بعد از انقلاب به اندازه کافی انتقادگرانی را دیدیم که بعد از کسب مقام و مسئولیت، کار را خراب تر

کردند. در مبحث استبداد، نقش و شرایط انتقاد را تشریح کرده‌ام. انتقاد با نیت توهین و تخریب، نه فقط کار را اصلاح نمی‌کند، بلکه شرایط را برای تضاد و درگیری و کاربرد زور و استبداد فراهم می‌سازد. انتقاد خیلی راحت است. از همه کس و همه چیز می‌توان انتقاد کرد. انجام کار سخت است. هر کس کار کند، اشتباه می‌کند. بهترین مهندسین کارخانه مرسدس نیز هر سال در پی یافتن اشتباهات خود هستند، تا تولید خود را بهتر نمایند. لذا از کسانی که اشتباهاتشان را به آنها تذکر دهند، متشکر هم می‌شوند. اشتباه جزئی از فرایند کار و پیشرفت است. اشتباه کردن عیب نیست، نپذیرفتن اشتباه از جانب افراد بی‌نظر و خیرخواه عیب است. اگر شرایطی فراهم آید که انسانها نتوانند نظرات خیرخواهانه خود را با روش انسانی، مؤدبانه و علمی بگویند و اشتباهات را تذکر دهند و نظراتشان سانسور و خودشان توبیخ شوند و در عوض افراد چاپلوس و متملق تشویق شوند (چنانکه در نظام های حکومتی خود کامه معمول بوده است) در آنصورت مسیر اشتباه با سرعت و شتاب بیشتر تا سرنگونی آن حکومت ادامه می‌یابد، و لن تجد لسنة الله تبدیلا.

از خالق متعال می‌خواهم که هم این بنده ناچیز را در نیت و روشش اصلاح و کمک نماید و هم به مخاطبین محترم نظر احسان و تحمل عنایت فرماید تا مطالب ارائه شده را حمل برگستاخی و جسارت نفرمایند.

صحبت از این کردیم که از ما به عنوان متخصص بیماریهای جامعه، انتظار تحلیل یا تشخیص بیماریها و ارائه راه حل می‌رود و در این رابطه وضعیت جامعه شناسی را از ابعادی با پزشکی مقایسه کردیم. حال باید دید که این تشخیص بیماری و ارائه راه حل، یعنی در واقع محتوای این کتاب، چگونه باید باشد. در بالا اشاره کردم که در ایران رشته‌های علوم اجتماعی باوصف اهمیتشان، هم از نظر محتواهای علمی - تئوریک و هم از نظر ارتباط با مسائل عملی و قابلیت حل آن مسائل، مانند بیشتر رشته های دیگر به جز پزشکی، نتوانسته‌اند علی‌الاصول چندان مفید واقع شوند. به یک علت آن نیز اشاره شد، یعنی سوق دادن افراد با هوش و استعداد به رشته‌های پزشکی و فنی. اما علاوه بر آن، این رشته‌ها، بالاخص جامعه شناسی، با یک انتقاد عمده در امریکا و بالاخص اروپا نیز روبرو است و آن تئوری پردازی بیش از حد و دوری آن از عمل است. اصطلاح علمی‌ای که برای این گونه موارد بکار برده می‌شود "بازی علمی" (academical) (akademischer Spiel = game) است. به همین علت، در برخی از محافل علمی برای این رشته و اساتید آن عموماً ارزش کمتری قائلند، مگر آنانی که قدمهای مؤثری برای حل مسائل علمی در سطح بسیار بالا و یا قابل استفاده در عمل برداشته‌اند^(۱). لذا در این کتاب هدف یک

بازی علمی نیست که طی آن لغات و اصطلاحات علمی بطور بسیار پیچیده در رابطه‌های مختلف بدون توجه به کاربرد عملی توصیف شوند، آنهم با استفاده از اصطلاحات خارجی که به زبان فارسی "من درآوردی" و لذا کاملاً ناآشنا برای خواننده برگردانده شده و بسیار نامفهوم‌تر از اصطلاح اصلی خارجی آن است^(۲). هدف ما در این کتاب، دادن اطلاعات به مردم و مسئولین است، تا سطح آگاهی آنها در این زمینه نیز بالا رود. این اساساً یک هدف اصلی علم جامعه شناسی باید باشد. در دانشگاه برلن این هدف در راس اهداف دیگر قرار دارد. جامعه ما و مسئولینش نیز به این اطلاعات، به گونه‌ای احتیاج دارند که اولاً آنها بفهمند و ثانیاً بتوانند از آن در عمل استفاده نمایند. بنابراین، هنر ما باید این باشد که مطالب خود را طوری بنویسیم تا دیگران (یعنی افراد غیرمتخصص در این زمینه) هم آنها بفهمند و وقتی کتاب را در دست گرفتند، خسته نشوند و آنها به گوشه‌ای نیندازند.

و اما برای تدوین و تنظیم این کتاب، گرچه نویسنده از تئوریه‌ها، منابع علمی مختلف و اطلاعات و مشاهدات مشارکتی خود استفاده نموده است، با وصف این باز هم از نظر اطلاعات با محدودیت‌های عمده‌ای روبرو بوده است. این محدودیت‌ها ابتدا شامل دسترسی به منابع علمی موجود در سطح جهانی می‌شود. قابل تصور است که اطلاعات و کشفیات دانشمندان طراز اولی که در سیستم‌های اطلاعاتی درباره ایران با هر کشور دیگری کار می‌کنند، مانند اطلاعات مهم در زمینه نظامی یا فیزیکی و کشفیات دیگر بسیار محرمانه نگاه داشته شده و در مجلات و کتب چاپ نمی‌شوند و در اختیار کسی قرار نمی‌گیرند (م.ش. فصل "قالب بین‌المللی یا نفوذ کشورهای دیگر").

از طرف دیگر اطلاعات از وقایع و تصمیم‌گیریها در سطح مسئولین مهم کشور نیز به ندرت (آنهم بدون منبع و مأخذ) قابل دسترسی است. در ملاقاتها و بحثهایی که گاه با برخی از مسئولین کشور بالاخص در سطح وزیر یا مشابه آن داشته‌ام، آنها گاه به این نکته اشاره می‌کردند که شما اگر اطلاعات دقیقتر و جزئی‌تر از مسائل روزمره در سطح هیأت دولت می‌داشتید، نتیجه‌گیریهای

و دپارتمان جامعه‌شناسی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی. یک استادیار در بدو استخدامش در گروه جامعه‌شناسی روستائی، در سال ۱۹۸۹، سالیانه ۴۰ هزار دلار دریافت می‌کرد و در گروه جامعه‌شناسی، ۳۵ هزار دلار. بلاس ۱۹۹۴ نیز در تحقیق خود نسبتهای مشابهی ارائه می‌دهد. در سال ۱۹۸۴ میانگین حقوق اساتید در رشته کشاورزی ۳۶۸۷۹ دلار و در رشته جامعه‌شناسی ۲۷۶۳۳ دلار بوده است. (Bellas 1994:813). تفاوت این میانگین حقوق با حقوق در دانشگاه مدیسون به آن علت است که دانشگاه مذکور به علت اعتبار زیاد و جذب اساتید درجه یک، حقوق بیشتری به اساتید می‌دهد.

۲ برخی از دانشجویان فوق‌لیسانس نیز که با صرف وقت، وارد این بازی پیچیده می‌شوند و از پیچیدگی آن لذت می‌برند، در واقع از آن طریق افکاری پیچیده و آموزشی غیرقابل استفاده در عمل کسب می‌نمایند.

جالب‌تری می‌کردید. قطعاً این کمبود اطلاعات دامنه تبیین مسائل را تا اندازه‌ای محدود می‌سازد، محدودیتی که دانشمندان خارجی، به علت داشتن نظام اطلاعاتی سازمان یافته با آن روبرو نیستند. اما این مسئله خیلی مهمی نیست، زیرا مسئولین محترم و باهوش ما می‌توانند، اطلاعات اضافی و تکمیلی خود را به مطالب این کتاب و چهارچوب تفکر و تحلیل آن اضافه و نتیجه‌گیریهای باز هم بیشتری نمایند.

البته این کمبود اطلاعات نویسنده از وقایع سیاسی و اطلاعات بیشتر مسئولین در این زمینه، موجب می‌شود که برخی از تحلیل‌های جزئی در این کتاب، برای آنها آشنا و چیز جدیدی نباشد. به این نکته من واقفم و باید متذکر شوم که هدف مورد نظر من دادن اطلاعات از وقایع روزمره بلکه بیشتر ارائه یک قالب و سیستم جامع برای استفاده از آن اطلاعات است. این اتفاقات و مسائلی که مسئولین عموماً از آن مطلع هستند، مانند تکه‌های یک تصویر پازل (Puzzle) هستند که هر تکه از آن برای بازیکن مشخص است، اما مسئله مهم، آن است که آن تکه یا تکه‌ها، چگونه و در کجا قرار می‌گیرند و ارتباطشان با بقیه اجزاء به چه ترتیب است. لذا در این کار تکیه بیشتر بر روی ارتباط بین یکایک مسائل است، آنهم در یک قالب وسیع، در زمینه‌ای که تاکنون از نظر علمی مورد بررسی قرار نگرفته است.

از نظر ساختاری، مطالب در دو جلد تنظیم شده‌اند. تحلیل وضعیت و بررسی بیماریهای جامعه ایران و ارائه راه حل در جلد دوم آمده است. اما مطالب این جلد دوم برای برخی از افراد نیاز به دانستن اطلاعات پایه‌ای یعنی مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی دارد. لذا این مطالب پایه‌ای که البته انشاءالله از جاذبه کافی برخوردار و همراه با تحلیلها و مثالهای عملی است، در جلد اول آمده‌اند تا خوانندگان هم مطالب جلد دوم را بطور کاربردی مورد استفاده قرار دهند و هم خود بتوانند وقایع دیگر جامعه را که با آن سر و کار می‌یابند، تحلیل نمایند.

در اینجا به جا است از افراد زیادی که در تهیه کار بطور مستقیم یا غیر مستقیم مؤثر بوده‌اند تشکر نمایم. بعد از سپاس بی‌قیاس از درگاه احدیت، از اساتید خود برای انتقال دانششان به بنده و فراهم آوردن شرایط کسب دانش و رشد فکری تشکر می‌کنم. همچنین شرط انصاف ایجاب می‌کند که از دانشگاههای کشورهای اروپائی و امریکا که بدون بخل و محدودیت، صمیمانه امکان استفاده از اطلاعات و تجهیزات خود را در اختیار نویسنده قرار دادند تا بتواند دانش ناچیزی کسب نماید ممنونم. تشکر نیز از دانشمندانی لازم است که با نوشته‌های خود امکان بررسی مسئله و هدایت انسانها را فراهم آوردند. اسامی بسیاری از این افراد در فهرست منابع آمده است. اما اطلاعات دیگر که بدون ذکر منبع و ظاهراً از نویسنده است، نیز حاصل زحمات اساتید نویسنده و محافل علمی مختلف که با آنها در ارتباط بوده است می‌باشد و همه اینها از

لطف، عنایت و فضل الهی.

دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران) از دو جهت در این کار نقش عمده داشته است. ابتدا اینکه نویسنده بعد از پایان تحصیلات، قسمت اعظم شکل‌گیری علمی خود در ایران را مدیون این دانشگاه می‌داند. این شامل دانشجویان با محبت، کارکنان عزیز (که همواره از هیچگونه کمک دریغ ننموده‌اند) و همکاران گرامی می‌شود. احساس سپاس بنده بالاخص نسبت به ریاست محترم دانشگاه، جناب آقای دکتر هادی ندیمی و اعضاء محترم هیأت رئیسه بالاخص جناب آقای دکتر حسین نمازی، جناب آقای دکتر محمدصادق مهدوی و بقیه دوستان می‌باشد که همواره کوشش بر آن داشته‌اند، تا حتی الامکان، بهترین شرایط علمی را برای اساتید فراهم آورند، (و این تا آنجا که من از نزدیک اطلاع دارم به قیمت پیشرفت علمی خود و فراتر از آن). علاوه بر آن، نویسنده خود را از جهات دیگر نیز مدیون این دوستان بزرگوار می‌داند، از جمله اینکه، هریک کتاب حاضر را بطور عمیق و بدون فوت وقت مطالعه و پیشنهادهای اصلاحی ارزنده‌ای ارائه و راه را برای چاپ سریع آن هموار کردند. همچنین امتنان فراوان از حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای احمد بحرینی لازم است که فصل "کارکرد دین" را با دقت مطالعه و پیشنهادهای مفیدی ارائه نمودند.

علاوه بر نکات فوق، دانشگاه شهید بهشتی در کنار برخی تجهیزات، در قالب دو طرح تحقیقاتی، امکان تهیه هسته اولیه و قسمت مهم این کار را فراهم آورد. از این بابت نیز تشکر عمیق خود را - بالاخص نسبت به شورا و معاونت محترم پژوهشی دانشگاه - ابراز می‌دارم. در عین حال لازم است متذکر شوم که اطلاعات ارائه شده در این کار، تنها به تحقیقاتی که از جانب دانشگاه شهید بهشتی حمایت شد، محدود نمی‌گردد. برخی از نتایج پژوهشهایی که از جانب مؤسسات دیگر نظیر وزارت ارشاد و شورای پژوهشهای علمی کشور تامین مالی شد نیز در این کار ارائه شده‌اند که از این جهت نیز از مؤسسات نامبرده و مسئولین محترم آنها صمیمانه تشکر می‌گردد.

سپاس فراوان نیز مدیون آیات عظام و طلاب حوزه علمیه قم می‌باشم. از جناب آقای دکتر محمود کتابی برای قبول زحمت مطالعه کتاب و پیشنهادهای تشکر می‌نمایم. همچنین از کلیه پاسخگویان بالاخص کارکنان وزارتخانه‌های بهداشت، علوم و جهاد که وقت ضیق خود را در اختیار ما گذاشتند، به ما اعتماد و صادقانه مسائل را به ما منتقل نمودند، صمیمانه تشکر می‌شود.

در جمع‌آوری اطلاعات افراد زیادی نقش مؤثر داشته‌اند، بالاخص: آقایان اکبری قمصری، فریبرز

بیات، تخشید، صدفی، ظروفی، فروهش تهرانی، اسلام فلاحی و علی یوسفی. آقای غلامرضا فروهش تهرانی علاوه بر مصاحبه ها، با عشق و علاقه‌ای انقلابی، زحمت زیادی در جمع‌آوری اطلاعات آماری و محاسبات کامپیوتری کشیدند. خانم مژگان وفادار و بالاخص آقای اکبری قمصری با اخلاص در جمع‌آوری اطلاعات آماری و برخی کارهای حرفه‌جینی و قتیگیر، زحمت زیاد کشیدند. افراد دیگری که در جمع‌آوری اطلاعات کمک کرده‌اند، در جای خود نامشان ذکر خواهد گردید. از ایشان و از همه پاسخگویان و افرادی که در این راه به گونه‌ای کمک نمودند صمیمانی تشکر می‌گردد. امیدوارم این کار که از سال ۱۳۶۴ مشغول آن بوده‌ام، در بهبود وضعیت مردم ایران مؤثر واقع گردد. لذا با شکر به درگاه الهی که در کنار الطاف بیکرانیش، بر من این منت را نیز نهاد تا در خدمت مردم و کشورم باشم، این کار را مخلصانه به ملت شریف ایران و مسئولان خداجوی، متفکر و دلسوز آنها، تقدیم می‌کنم.

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس که نه هرکو ورقی خواند معانی دانست.

(حافظ ص ۲۳)

فرامرز رفیع‌پور

تهران - فروردین ۱۳۷۶

تذکرات:

۱- منابع استفاده شده در این کتاب، در داخل متن و در پراکنش ذکر شده اند. بدین ترتیب که پس از نام مؤلف، سال انتشار آن منبع و سپس صفحه‌ای که در آن مطلب مورد نظر آمده، نوشته شده است. مشخصات کامل آن منبع را می‌توان در پایان کتاب در قسمت منابع تحت نام نویسنده مذکور یافت.

۲- شماره آیاتی که از قرآن کریم در متن این کتاب از آن استفاده شده، براساس قرآنی است که به خط و ترجمه آقای مصباح‌زاده و به همت آقای محمدعلی علمی به طبع رسیده است و در کنار خط زیبا، بالاخص ترجمه لغوی دقیق آن به درک صحیح مفاهیم کمک می‌کند.

۳- برخی کلمات که بصورت مخفف آمده اند، عبارتند از:

- ب.ب = به بعد (مثلاً: ص ۱۱ ب.ب = صفحه ۱۱ به بعد)،
- ر.ک. = رجوع کنید،
- م.ش. = مقایسه شود.